

که ز خورشید کسی می آید...

طاهره شاه حسینی



سرشناسه	: شاه حسینی، طاهره، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: Tahereh, Shahhoseini
منشخصات نشر	: که ز خورشید کسی می‌آید.... / طاهره شاه‌حسینی.
منشخصات ظاهری	: گرگان: یاقوت سرخ، ۱۳۹۸.
شابک	: ۱۱۰ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-622-6022-27-9
موضوع	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره	: Persian poetry - 20th century
رده بندی دیویی	: PIR۸۳۴۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۱/۶۳
	: ۵۷۵۳۳۴۵



شاعر	طاهره شاه حسینی
عنوان	که ز خورشید کسی می‌آید....
ناشر	یاقوت سرخ
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۸
شمارگان	۵۰۰ نسخه
صفحه آرا	سارا بازوی
طرح جلد	فهیمه اسبو محلی
شابک	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۰۲۲ - ۲۷ - ۹
قیمت	۳۰۰۰۰۰ ریال
گرگان، بلوار جانبازان، جانباز ۲۲، انتشارات یاقوت سرخ	
تلفن: ۳۲۲۲۶۶۴۳	کد پستی: ۴۹۱۶۶۴۴۷۳۵
تلفن همراه: ۰۹۱۱۱۷۷۰۴۹۱	تلفن: ۳۲۲۲۶۶۴۳
آدرس الکترونیکی:	
hossein.yaghooti491@gmail.com	

مقدمه / ۱
قطب عالم امکان / ۳
دفاع مقدس / ۴
حریم یار / ۶
عشق نبی / ۷
آیه عشق و وفا / ۸
جاده / ۱۰
دریا / ۱۲
مولا / ۱۴
قسم / ۱۵
صدای رود / ۱۶
هجرت امام / ۱۷
دست مولا / ۱۹
نماز جمعه / ۲۱
بانوی عشق / ۲۲
عشق / ۲۴
زندگی / ۲۵
پنجره / ۲۶

دوری/ ۲۷

مهر/ ۲۸

غریب/ ۲۹

خرابه شام/ ۳۰

نیمه ی خرداد/ ۳۱

مسافر/ ۳۲

کنعانی/ ۳۳

مرید/ ۳۴

شعر/ ۳۵

خلوت نشین/ ۳۶

بهاری/ ۳۷

احساس کود کانه/ ۳۸

ملکوت/ ۳۹

عبور/ ۴۰

ظهور/ ۴۱

عروج عاشورا/ ۴۲

غدير خم/ ۴۴

دوران/ ۴۵

شمع/ ۴۶

زخم کهنه/ ۴۸

دو بيتی/ ۴۹

- امام آمد/ ۵۰
همراه/ ۵۲
خاطرات/ ۵۳
باز آ.../ ۵۵
طبیعت/ ۵۶
تصویر هستی/ ۵۷
کودکی/ ۵۹
بانوی مهر/ ۶۰
یا علی/ ۶۱
ولای علی/ ۶۳
بهار/ ۶۵
یاد یاران/ ۶۶
فراق/ ۶۸
سلام بر زینب/ ۶۹
نهم دی/ ۷۰
عشق هشتمین/ ۷۳
علی/ ۷۵
سفره های سپیده/ ۷۶
حماسه ی عاشورا/ ۷۷
کربلا/ ۷۸
قلب مطمئن/ ۷۹

رویای شبانه/ ۸۰

دیار عشق/ ۸۱

پرسه/ ۸۳

مهدی عشق/ ۸۴

مجال/ ۸۵

دامان تو/ ۸۷

مسافر خورشید/ ۸۸

ساکن/ ۸۹

پاییز دنیا/ ۹۰

عاشقان/ ۹۲

دست بردار/ ۹۳

یا لطیف

به نام حضرت دوست که هر چه دارم از اوست

مقدمه

سألها تلاش و کوشش بیهوده که سودی نبخشید و تنها مرا در گرداب خویش فرو میرد، مرا که روزگاری خلوتی با معبود داشتم از او جدا کرده و به تبعیدگاه غفلتم انداخت. خدا را شاگردم که دستم را گرفت و از این قفس بیرونم نمود و نور تجلی خداوند را خورشید راهم ساخت تا دوباره دست در حلقه ی بندگی اش نهادم و به او پیوستم. میخواهم از من و ما رها شوم و به جایی که او برایم تعیین کرده بود برسم. هنوز امیدوارم، که نور امید سزاوار ما بندگان است. روح خود را در چشمه ی عشق عبودیت شستشو دادم و پرواز را آرزو کردم.

این تحفه ی کوچکی که برای مولای غریبم، آستانه ی عشقم، غایب دور از نظرم میفرستم، انتظار گوشه ی چشمی از آن عزیز روحانی، صاحب عصر و زمان دارم و تدارک برای سربازی آن عاشق دل خسته میکشم. باشد که گوشه ی چشمی کند و به نوکری اربابم درآورد.

آنچه من سروده ام، هر چند کامل و بی عیب نیست اما با عشق تنیده شده، من کجا و عالم شعر و شاعری کجا! تنها حدیث کوچکی از لحظه های خلوت دل

بوده است و تنها چیزیست که در کیسه ی این گدای ارباب پرور به هم میرسد.
پوزش مرا بپذیرید که بسیار عذرخواهم.

این کتاب را هدیه میکنم به محضر رهبر عزیز و فرزانه ام، حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (دامه برکاته) و پدر و مادر عزیز و گرامیم که ریشه ی روح و جانم از صداقت آنان بوده است و محتاج دعای خیرشان هستم. خداوند آنان را در درجات عالی بهشت جای دهد و به همسرم که همراه من در تمام لحظات زندگی بوده و فرزندانم که آرزوی سعادت و سلامت در دنیا و آخرت برایشان دارم و به تمامی مرادن و زنان مسلمان و خانواده های شهدا که مایه ی فخر اسلام و مسلمین هستند.

اولین قدم را به سوی معبودم برمیدارم تا مگر قدمهای بعدی را او برایم بردارد.